

Content

400 Vocabularies

Vocabulary TEST One

Vocabulary TEST Two

Vocabulary TEST Three

Vocabulary TEST Four

Abhor /əb'ho:/	متنفر بودن، بیزار بودن، منزجر بودن		
Most students abhor lengthy exams at the end of the year.			
(A) Detest	(B) Regret	(C) Nullify	(D) Negate
پاسخ صحیح: گزینه A			

اکثر دانش آموزان از امتحانات طولانی در پایان سال متنفر هستند.

Abiding /ə'bʌɪdɪŋ/	جاودانه، ابدی، همیشگی		
The concept of upward social mobility has been an abiding feature of Japanese life.			
(A) Enduring	(B) Unaffected	(C) Intriguing	(D) Observable
پاسخ صحیح: گزینه A			

مفهوم تحرک اجتماعی رو به رشد و ترقی تبدیل به ویژگی همیشگی زندگی زاپنی شده است.

Abstinence /'abstɪnəns/	پرهیز، اجتناب، خودداری		
The cure of alcoholism is complete abstinence from alcohol.			
(A) Absence	(B) Avoidance	(C) Sickness	(D) Prescription
پاسخ صحیح: گزینه B			

درمان اعتیاد به الکل، پرهیز کامل از الکل است.

Abstinent / 'abstɪnənt/	پرهیزکننده، ترک کرده، پاک
After treatment, the former alcoholic was happy to be abstinent .	
(A) Conical	(B) Stubborn
(C) Intoxicated	(D) Sober

پاسخ صحیح: گزینه D

مرد الکلی سابق پس از درمان، از اینکه سالم و هوشیار بود خوشحال بود.

Academy / ə'kadəmi/	آموزشگاه، مدرسه، آکادمی
Elizabeth Blackwell founded an academy to train women physicians in 1868.	
(A) Philosophy	(B) Clinic
(C) School	(D) Company

پاسخ صحیح: گزینه C

الیزابت بلک ول مدرسه ای را برای آموزش پزشکان زن در سال ۱۸۶۸ تاسیس کرد.

Accessible / ək'sesib(ə)l/	در دسترس
Because the information was easily accessible , we found it immediately.	
(A) Acceptable	(B) Accessory
(C) Reachable	(D) Probable

پاسخ صحیح: گزینه C

از آنجا که اطلاعات به راحتی در دسترس بود، ما آن را فورا پیدا کردیم.

Accompaniment //ə'kʌmpənɪmənt/ /	همراهی
He sang the hymn to the <u>accompaniment</u> of the church choir.	
(A) Voices	(B) Support
(C) Meter	(D) Music

پاسخ صحیح: گزینه B
او سرود را با همراهی گروه کر کلیسا خواند.

Accomplice / ə'kʌmplɪs/	همدست، شریک جرم
The thief was apprehended, but his <u>accomplice</u> had disappeared.	
(A) People who saw him	(B) Guns and knives
(C) Collaborator	(D) Stolen goods

پاسخ صحیح: گزینه C
دزد دستگیر شد، اما همدست او ناپدید شده بود.

Acknowledge / ək'naʊldʒ/	اقرار کردن، اعتراف کردن، تصدیق کردن
The World-Wide Web has become so commonplace that even nontechnical adults <u>acknowledge</u> having heard of the Net and the web.	
(A) Concede	(B) Cherish
(C) Remember	(D) Deny

پاسخ صحیح: گزینه A
اینترنت تبدیل به امری عادی شده است که حتی بزرگسالان غیر فنی نیز ادعا دارند که در مورد شبکه و وب چیزهایی شنیده اند.

Acute / ə'kjut/	حاد، شدید
-----------------	-----------

One of California's most **acute** problems is an inadequate water supply.

(A) Unusual	(B) Persistent	(C) Unexpected	(D) Critical
پاسخ صحیح: گزینه D			
یکی از مشکلات <u>حاد</u> کالیفرنیا ذخایر ناکافی آب است.			

Adage / 'adɪdʒ/	ضرب المثل		
A familiar adage says that the early bird gets the worm.			
(A) Proverb	(B) Lady	(C) Gentleman	(D) Book
پاسخ صحیح: گزینه A			
یک ضرب المثل آشنا میگوید که سحرخیز باش تا کامرو باشی.			

Adept / ə'dept, 'adept/	ماهر و زبردست		
The pianist was adept at playing the arpeggios.			
(A) Proficient	(B) Adjustable	(C) Awkward	(D) Careful
پاسخ صحیح: گزینه A			
پیانیست در اجرای نت های آرپز <u>ماهر</u> بود.			

Adjacent /ə'dʒeɪəs(ə)nt/	مجاور، نزدیک، در حوالی		
The lymphatic system includes a network of tiny capillaries that lie <u>adjacent</u> to the fine blood vessels.			
(A) Independent of	(B) Obscured by	(C) Near	(D) Within
پاسخ صحیح: گزینه C			

سیستم لنفاوی شامل شبکه‌ای از مویرگ‌های کوچک است که در مجاورت رگ‌های خونی قرار دارد.

Affable /'afəb(ə)l/	خوش رو، خوش برخورد		
He's such an <u>affable</u> fellow that people sometimes take advantage of him.			
(A) Accessible	(B) Good-natured	(C) Wealthy	(D) Weak
پاسخ صحیح: گزینه B			

او چنان همکار خوش برخوردی است که مردم گاهی اوقات از او سوء استفاده می‌کنند.

Affinity / ə'fɪnɪtɪ/	تمایل، وابستگی		
Although the sisters had never met before the party, Judie and Gina felt a strong affinity to each other at first glance.			
(A) Affability	(B) Attraction	(C) Dislike	(D) Interest
پاسخ صحیح: گزینه B			
با وجودی که دو خواهر قبل از مهمنانی همدیگر را ندیده بودند، جودی و جینا <u>حسن</u> وابستگی شدیدی به هم در نگاه اول احساس کردند.			

Affluent / 'æfluənt/	ثروتمند		
Having spent all my money on tuition, I am not affluent enough even to go to the movies.			
(A) Destitute	(B) Arrogant	(C) Wealthy	(D) Afraid
پاسخ صحیح: گزینه C			
با خرج کردن تمام پولم برای شهریه، حتی برای رفتن به سینما <u>هم پول</u> ندارم.			

Affront / ə'frʌnt/	توهین کردن، خوار کردن		
The hostess was affronted by Bill's failure to thank her for dinner.			
(A) Affable	(B) Insulted	(C) Afflicted	(D) Confronted
پاسخ صحیح: گزینه B			
چون بیل فراموش کرد برای شام تشکر کند، به میزبان <u>توهین</u> شد.			

Aggravating / 'agrəveɪtɪŋ/	تشدیدکننده، دردناک
Fire worms are marine worms that inhabit warm tropical waters. They produce an <u>aggravating</u> stinging sensation if touched.	
(A) Irritating	(B) Overwhelming
(C) Astonished	(D) Thriving
پاسخ صحیح: گزینه A	
کرم آتشین نوعی کرم دریایی است که در آب های استوایی زندگی می کند. اگر به آنها دست زده شود، یک حس سوزش <u>شدید</u> ایجاد می کنند.	

Agile/ 'adʒlɪl/	زیرک، فعال
Swallows are among the most <u>agile</u> passerine birds.	
(A) Inactive	(B) Frail
(C) Beautiful	(D) Nimble
پاسخ صحیح: گزینه D	
پرستوها جزو <u>چابک</u> ترین پرندگان از راسته ی گنجشک سانان هستند.	

Ailment / 'eɪlm(ə)nt/	بیماری
328. Frequent minor <u>ailments</u> kept her home from work.	
(A) Irritations	(B) Young children
(C) Sickesses	(D) Falls
پاسخ صحیح: گزینه C	
بیماری های جزئی مکرر او را خانه نشین کرد و از رفتن به کار بازداشت.	

Aloof / ə'lu:f/	جدا، مجزا، کناره گیری		
Male lions remain aloof from the day-to-day activities of their families.			
(A) Upwind of	(B) Separate from	(C) Exhausted from	(D) Bored with
پاسخ صحیح: گزینه B			

شیرهای نر از فعالیت های روزمره خانواده خود دور می مانند (کناره گیری می کنند).

Alumnus / ə'ləmnəs/	فارغ التحصیل		
As an alumnus of Harvard, he felt compelled to contribute to the building fund.			
(A) Student	(B) Professor	(C) Supporter	(D) Graduate
پاسخ صحیح: گزینه D			

به عنوان یک فارغ التحصیل دانشگاه هاروارد، او خود را موظف دانست تا در هزینه ساخت و ساز آنجا مشارکت کند.

Ameliorate / ə'mi:lɪəreɪt/	بهتر کردن، بهبود دادن
Efforts to ameliorate housing conditions for the poor were halted because government funds were cut off.	
(A) Add to	(B) Develop
(C) Study	(D) Improve
پاسخ صحیح: گزینه D	
تلاش ها برای <u>بهبود</u> وضعیت مسکن برای فقرا متوقف شد چون تنخواه دولتی قطع شده بود.	

Amenity / ə'mi:nɪti,-'mən-/	وسیله رفاه، وسیله آشپزی، تسهیلات
The amenities of civilization are left behind when an individual embarks on a camping trip in a remote area.	
(A) Activities	(B) Rules
(C) Comforts	(D) Signs
پاسخ صحیح: گزینه C	
وقتی شخصی اقدام به سفر کمپینیگ در یک منطقه دور افتاده می کند، امکانات <u>رفاهی</u> شهری را پشت سر می گذارد.	

Amusement / ə'mju:zm(ə)nt/	سرگرمی، تفریح
Entertainment abounds in the Times Square Hotel and the area around with theaters, cinemas, amusement centers, etc.	
(A) Fame	(B) Concession
(C) Diversion	(D) Triumph

پاسخ صحیح: گزینه C

تفریح و سرگرمی در هتل تایم اسکوور و مکان های اطراف آن، با وجود تئاتر، سینما، مراکز تفریحی و ...، فراوان است.

Apathy / 'apəθi/	بی علاقگی
<u>Apathy</u> toward his studies prevented his graduation.	
(A) Indirection	(B) Indifference
(C) Indecision	(D) Indication

پاسخ صحیح: گزینه C

بی علاقگی به رشته اش مانع فارغ التحصیلی او شد.

Appalled / ə'pɔ:lɪd/	وحشت زده
Americans were <u>appalled</u> by the latest statistics regarding violent crimes.	
(A) Mildly surprised	(B) Informed
(C) Frightened	(D) Pleased

پاسخ صحیح: گزینه C

آمریکایی ها توسط آخرین آمار در مورد جرایم خشونت آمیز وحشت زده شدند.